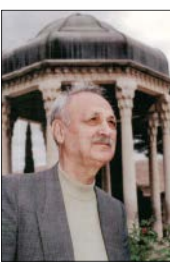


۱۰فرهنگ ادبیات وهنر

◀ **ضمایر [آنها]** ▶

شرح زرین کوب از دیدار شمس و مولانا

تازه‌ترین شماره فصلنامه «نگاه آفتاب» چند متن تازه درباره مولانا رو کرده است



عجب شماره‌ای شده است این شماره سوم «نگاه آفتاب»؛ فصلنامه‌ای که حالا ویژه فصل بهار آن منتشر شده است. جمع دوستان و بزرگان جمع است

در این شماره از جمله این‌که توفیق سبحانی، مترجم، مصحح و مولانا‌پژوه از تأثیر ملاقاتش

با عبدالباقی گولپینارلی برای آنها، یعنی اهالی «نگاه آفتاب» سخن گفته است.

در بخش حکمت، موضوع تنهایی به‌عنوان دغدغه‌ای بشری در ارتباط با آموزه‌های مولانا از منظر محمدسعید حنایی کاشانی، محمود مقدسی، سودابه کریمی، محی‌الدین قنبری، همایون همتی، مهرباب صادق‌نیا، صبا فدوی و حسن عشایری مورد بررسی قرار گرفته است.

بخش کارنامه اختصاص یافته است به بررسی فعالیت‌های عبدالحسین زرین‌کوب. در این بخش شرح ملاقات شمس و مولانا در گفتاری از زرین‌کوب‌که در سال ۱۳۷۵ در دانشگاه کالیفرنای آمریکا ایراد شده برای اولین بار منتشر شده است. همچنین در این بخش مهدی محقق، سیروس شمیسا، فتح‌ا... مجتبابی، مریم مشرف، روزبه زرین‌کوب، عنایت‌ا... مجیدی، ابراهیم موسی‌پوربشلی، علی بهرامیان، سیدصادق سجادی و کامیار عابدی درباره خدمات و کارنامه زرین‌کوب و تأثیر او بر مولوی‌پژوهی به طرح دیدگاه‌های خود پرداخته‌اند.

در بخش جستار، رحمان مشتاق‌مهر، محمودرضا اسفندیار، سیدمجید سادات‌کیایی، مهدی کمپانی‌زارع و محبوبه مباشری به پرسش چرا باید مثنوی خواند؟ و مهم‌ترین درس‌های مثنوی را چه می‌دانید؟ پاسخ داده‌اند. در هفت اقلیم بازنویسی کودکانه مثنوی برای کودکان در میزگردی با حضور مصطفی رحماندوست، مرجان فولادوند و مریم جلالی بررسی می‌شود و محمدرضا یوسفی از ضرورت‌های بازآفرینی متون کهن برای کودکان سخن می‌گوید. در بخش سنجه احسان ابراهیمی با موضوع جهان مولانا و مولانای جهانی با حسین کمالی، اردشیر منصوری با محمد دهقانی با موضوع نگاهی به میراث عرفانی و هدایت جلیلی با محمد فنیای‌اشکوری با موضوع بازشناسی جریان‌های نزاع با میراث عرفان گفت‌وگو کرده‌اند. همچنین این بخش شامل یادداشت‌هایی از اکبر ثبوت، پری ایران‌منش و محسن زندی، و عزیزا... حسن‌زاده است.

بخش همسایه‌مروزی بر حضور فرهنگی و معنوی مولانا در کشور بوسنی و هرزگوین دارد. این بخش شامل مطالبی به قلم مبینا موکر، سداد دیزداریویچ، رشید حافظ‌اویچ، الویر موسویچ، سعید عابدپور و همچنین گفت‌وگو با محمدکارهاوجیچ است.

در بخش نقدحال سیدمحمد بهشتی، احمد مسجدجامعی، علی‌اصغر سیدآبادی و مصطفی بادکوبه‌ای از تجربیات زیسته‌شان با مولانا گفته‌اند. سکوت خداوند و دلهره انسان از شبیر اختر و بازار گرم بی‌ظنیر از سیدماجد غروی در بخش مقالات این شماره آمده است.

در بخش قفسه با مهدی سالاری‌نسب درباره کتاب در شناسنامه مثنوی و یا امیرحسین الهیاری درباره کتاب گاه ناچیزی مرگ، گفت‌وگو شده است. علیرضا رضایت درباره کتاب فراتر از اصول اعتقادات و داود وفایی درباره کتاب تصوف در بالکان و منوچهر دین‌پرست درباره تأثیرات عباس کیارستمی از مولانا در کتاب آتش نوشته‌اند. در بخش روایت اخبار و گزارش‌های حوزه مولانا و مولانا‌پژوهی در ایران و سایر کشورهای جهان منتشر شده است. طبق روال هر شماره، ترجمه خلاصه

مجله به سه زبان انگلیسی، ترکی و عربی، انتهای مجله در بخش ترجمه آمده است. صاحب امتیاز فصلنامه نگاه آفتاب مؤسسه‌سروش مولانا و مدیرمسئول آن مریم موسوی است. شماره سوم نگاه آفتاب را می‌توانید به قیمت ۹۰ هزار تومان از وبسایت نگاه آفتاب به آدرس www.negaheaftab.com کتابفروشی‌هاتهیپ‌کنید.

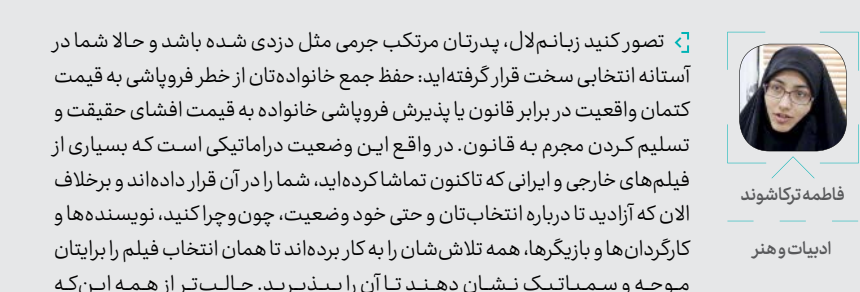


«پیمان» زمستانی در بهار

با شرایط پیچیده اقتصادی ناشی از شیوع ویروس کرونا، فعالیت فرهنگی ارامنه نیز مانند همه فعالان فرهنگی در ایران، با پیچیدگی‌هایی روبه‌رو شده است؛ یکی از بروز و ظهورهای این پیچیدگی، این است که نشریه پرقدمت آنها یعنی فصلنامه فرهنگی «پیمان»، مدتی است با تاخیر منتشر می‌شود. تازه‌ترین

در شبکه نمایش خانگی چالش حفظ خانواده به هر قیمتی وارد مرحله حساسی شده است

ارزش علیه ارزش



ادبیات و هنر

اگر همین الان فیلم‌ها را در ذهن‌تان مرور کنید متوجه خواهید شد در برخی موارد، به‌رغم ارزش‌های درونی و صدای وجدان‌تان، همراه با فیلم، حفظ خانواده را به قانون و اخلاق ترجیح داده و در بعضی موارد دیگر، برخلاف مذمت شعارزدگی و کلیشه‌سرابی، اخلاق و قانون را به قیمت فروپاشی خانواده انتخاب کرده‌اید.

واقعا هم موقعیت بغرنجی است! گذشته از دلبستگی‌های بشر به افرادی که در میان‌شان به دنیا آمده و با آنها بزرگ شده است، خانواده اساسا خودش یک ارزش ابتدایی است که نه تنها در ادیان الهی و حاکمیت‌های مبتنی بر آنها، بلکه در ایدئولوژی‌های غیرالهی و جوامع مبتنی بر این دیدگاه‌ها هم به‌عنوان ارزشی که تکیه‌گاه سایر ارزش‌هاست، جدی گرفته شده و مبنای برنامه‌ریزی و تدوین قوانین قرار می‌گیرد. برای همین است که صرف‌نظر از جهان‌بینی مخاطبان فیلم‌ها، همه‌شان در هر کجای دنیا و تاریخ که باشند جذب چنین وضعیت دراماتیکی می‌شوند و تقابل ارزش «خانواده» را با سایر ارزش‌های اخلاقی به‌خوبی زیر زبان‌شان حس می‌کنند و راه برای ایجاد همذات‌پنداری توسط نویسنده و کارگردان باز می‌شود. همذات‌پنداری که مثل فیلم «دزد دوچرخه» دسیکا، گاه شما را به ترجم بر مجرم به‌خاطر ضرورت‌هایی نظیر فقر دعوت می‌کند تا به مناسباتی فراتر از خانواده‌که به ایجاد ضرورت دزدی منجر شده‌اند ببیندیشید و گاهی مانند فیلم «پدرخوانده» فورد کاپولا در جهانی روایت می‌شوند که انکار آدم‌هایش اصلا با هیچ ارزشی غیر از خانواده و اعضای آن آشنا نبوده‌اند و هیچ مساله اخلاقی و انسانی وجود ندارد که بالاتر از حفظ جمع خانواده بایستد حتی اگر فردی از اعضا همین خانواده علیه آن بشورد، اوست که حذف می‌شود تا خانواده باقی بماند.

بعضی دیگر اما مثل «متری شش‌ونیم» روستایی، شما را برمی‌انگیزند تا با قاچاقچی موفقیتی همراهی کنید که اساسا انگیزه‌اش برای موفقیت، آسودگی خانواده‌اش بوده اما حالا همان خانواده او را طرد کرده و نتیجه رحمت‌اش را نمی‌پذیرند. شاهین (نوید محمدزاده) فیلم «مغزهای کوچک زنگ‌زده» سیدی هم به این خاطر در ذهن‌تان می‌ماند که در تمام مدت فیلم تلاش می‌کند با برهکاری بیشتر و بهتر، خود را به‌عنوان عضوی از یک خانواده خلافکار به برادر بزرگ‌تر و درواقع بزرگ خانواده اثبات کند اما سرآخر می‌فهمد که اصلا خون این خانواده در رگ او جاری نیست و ناگهان ارزش‌های انسانی برابر او تغییر می‌کنند.

از وقتی سریال‌های شبکه‌های نمایشی خانگی، بیشتر دیده می‌شوند این وضعیت دراماتیک هم بیشتر حس و به مخاطبان نزدیک شده است. بسیاری از سریال‌های خارجی در عین نمایش محوریت خانواده به‌عنوان یک ارزش بنیادین، در چالش میان این ارزش و سایر ارزش‌های اخلاقی و انسانی و حتی قوانین کشوریشان، اولی را انتخاب و از دومی به‌سادگی عبور می‌کنند. آیا میان سیستم‌های ارزشی مختلف از این جهت تفاوتی هست؟ آیا ما ایرانی‌ها قادی‌رم با چنین دستگاه اخلاقی - ارزشی سازگار شویم؟ سریال‌ها و فیلم‌های ایرانی کدام وجه را به نمایش می‌گذارند و وزنه سنگین‌تر را در کفه کدام ارزش قرار می‌دهند؟ در ادامه روی چند سریال خارجی و ایرانی پربیننده در شبکه‌های VOD که در آنها این چالش مطرح شده است متمرکز می‌شویم تا جواب این سؤال‌ها را بیابیم لازم به ذکر است این انتخاب از میان سریال‌های چند سال اخیر و در ژانرهای مختلف صورت گرفته است. حالا به نظر می‌رسد این جدال بر سر انتخاب خانواده یا مشکلی اخلاقی، اجتماعی یا سیاسی به سود برد خانواده می‌چربد.

شماره این نشریه که به دست ما در تحریریه جام‌جم رسیده، شماره ۹۳ و ۹۴ این نشریه است که مربوط به پاییز و زمستان سال گذشته است. پیمان که بیست‌وچهارمین سال انتشارش را پشت‌سر می‌گذارد، در این شماره هم به نودمین سال تأسیس انجمن فرهنگی ارامنه چهارمحال و گورستان‌های ارمینان

در آنجا پرداخته و هم در پرونده چهره ادبی، بر فعالیت‌های هاکوب کاراپنتس تمرکز کرده است. در فصل ادبیات این شماره نیز، داستانی از آن‌اهیت توپچیان مورد بررسی قرار گرفته است. پیمان به صاحب امتیازی و مدیرمسوولی وارطان وارثانیان و سردبیری آرمینه آراکلیان هر فصل منتشر می‌شود.

بریکینگ بد

خانواده در خدمت پولشویی

یکی از نام‌آورترین سریال‌های سال‌های اخیر که حالا در شبکه‌های نمایش خانگی فارسی هم به‌صورت دوبله عرضه شده، دقیقا به همین چالش ارزش خانواده در برابر ضدارزش‌های دیگری چون پولشویی و تولید و توزیع مواد مخدر می‌پردازد. والتر وایت با بازی درخشان برایان کرانستون، پدر خانواده‌ای است که سال‌ها معلم شیمی دبیرستان بوده است. این سابقه شخصیتی انتظارات را از او برای الگوی ارزش‌های اخلاقی بودن بالاتر هم می‌برد و تضاد را در درام داستان، سهمگین‌تر هم می‌کند. گره از یک تضاد درونی یعنی تمایل والتر به تجربه کردن حس نفوق و قدرت پس از سال‌ها سرکوب شدن در نقش معلمی و همراه شدن آن با یک وضعیت بیرونی یعنی بیماری سرطان با نیاز مالی برای تضمین آینده خانواده آغاز می‌شود و همین گره از یک پدر سربه‌راه و اخلاق‌گرا، یک خلافکار پرقدرت آن هم در زمینه‌ای کثیف چون تولید و توزیع مواد مخدر و شست‌وشوی درآمد هنگفت آن می‌سازد. در ادامه همسر والتر هم در جریان خلافاکاری او قرار می‌گیرد اما همراه می‌شود و اتفاقاً توانمندی‌های خود را در این حوزه به‌منصه ظهور می‌رساند. بریکینگ‌بد از آن دست سریال‌هایی است که ارزش خانواده را در برابر ارزش‌های اخلاقی دیگر و حتی قانون قرار می‌دهد و به‌راحتی از سایر ارزش‌ها در برابر خانواده عبور می‌کند.

خانه پوشالی

خانواده، قربانی قدرت سیاسی

یک خانواده در قدرتمندترین لایه حاکمیت در آمریکا و شاید به عبارتی جهان، خانه پوشالی، بازنامه‌یی همین خانواده‌ای است که در نزدیک‌ترین حالت ممکن اگر تا پیش از ریاست‌جمهوری فرانک آندروود (کوین اسپسی)، همسر او که ظاهر می‌شود و نقش همسر خوب را داوطلبانه به‌عهده می‌گیرد اما آرام آرام، کلر را به رقیب تبدیل می‌کند. درست از جایی که کلر به همسرش اظهر قسد دارد در جایگاه اولین شخص قدرتمند در ایالات متحده آمریکا از کوچک در معرض فروپاشی قرار گرفته و تنها عامل حفظ آن، هدف مس پس از این بازی، روابط بیشتر تغییر می‌کند و ارزشی که مایه تحکیم تبدیل می‌شود. کلر این بازی را تا جایی ادامه می‌دهد که حتی از فرزند پایه‌های قدرتش استفاده می‌کند و جنینی را که در شکم دارد بهانه‌ای



اُزارک

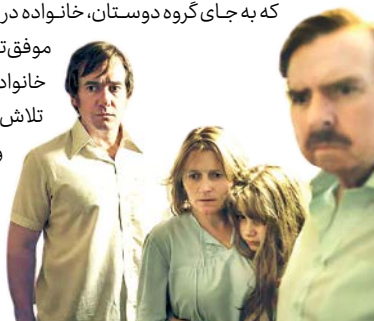
حفظ خانواده در گرو حفظ کارتل

برخلاف والتر وایت بریکینگ‌بد، مارتی برت (جیسون بیتمن) پدری است که چندان دلیلی هم برای ورود به سیاست با فرزندی سالم و بالغ دارد که نیاز چندانی هم به حمایت مالی بیش از حد معمول ندارند. شاید به همین علت باشد که داد و ستد سابقه شخصیت‌ها، از همین میانه آغاز می‌شود. مردی که در ابتدای داستان با او آشنا می‌شویم، یک مشاور و است که برای یک کارتل مواد مخدر پولشویی می‌کند و حالا با خیانت یکی از اعضای نزدیک آن، مجبور است برای حفظ جان خود و خانواده‌اش، مقدار بیشتری پول را شست‌وشو دهد. چیزی که ازارک را متفاوت می‌کند واکنش بسیار معمولی و سهل‌گیرانه همسر و فرزندان او در برابر این واقعیت است که شغل پدر خانواده، رسماً پولشویی برای یک کارتل مواد مخدر است. آنها نه تنها ابراز ناراحتی زیادی نمی‌کنند، بلکه به سرعت با این کسب‌وکار غیرقانونی و غیراخلاقی همراه می‌شوند و مدام ورد زبان‌شان، همین انگیزه اصلی یعنی حفظ خانواده است. خانواده‌ای که در ظاهر برای حفظ خود از خطر کارتل اما در واقع برای کسب پول و قدرت بیشتر به راه‌ها و ایده‌های مؤثرتر برای پولشویی فکر می‌کند به نحوی که هم بتواند پنهان‌تر بماند و هم حجم بیشتری پول را در زمانی کمتر بشوید.

احضار در آنفیلد

دوست، همان دشمن است

در اغلب فیلم‌های ترسناک، حفظ گروه از خطری که هراس ایجاد کرده محوریت دارد. این گروه وقتی سمپاتیک‌تر و نذ-که به جای گروه دوستان، خانواده در مرکز خطر قرار بگیرد. در بسیاری از فیلم‌های ژانر هراس این قاعده موفق‌ترین آنها، مینی سریال «احضار در آنفیلد» است. ماجرا در اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی اتفاق می‌افتد. خانواده به همراه سه فرزندشان، مورد حمله موجودات ماوراءالطبیعه مز تلاش می‌کند خود را در برابر عامل مزاحم حفظ کند و حتی از پژو‌هشگران وضعیت رسیدگی‌کنند اما مسأله خطیر این است که هر عضو خان-به‌خودی خود تبدیل به یک عامل ناخواسته خطر شود. پیچیدگی حفظش باید عملا با اعضای خود بچنگد. یعنی هر عضو، همزمان خطر حفظ شود و این جدال در عین حال بر یک نفر اتفاق می‌افتد است چراکه جدال خودش با خودش، این ارزش را سخت و گاهی



فروپاشی (آن‌دوئینگ) آخرین تکیه‌گاه قاتل

سریال پربیننده این روزهای جهان و ایران، یک سریال جانیبی است که حول یافتن عامل قتل یک زن روایت می‌شود. این موضوع شاید آشنا و تکراری به نظر بیاید اما آنچه «آن‌دوئینگ» را متفاوت می‌کند درگیر شدن همه اعضای خانواده با این قتل و مظنون بودن تک‌تک آنها به عامل بودن در این جنایت است. یک زوج به همراه پسر نوجوان‌شان، هریک می‌توانند قاتل رنی باشند که پدر خانواده پیش از این با او ارتباط داشته و حالا به ضرب پتک به نحوی خشن کشته شده است. گریس و جاناتان فریزر (نیکول کیدمن و هیوگرانت) تمام تلاش‌شان را می‌کنند تا با وجود این اتهام فاجعه‌بار در عین مظنون بودن به یکدیگر، خانواده را حفظ‌کنند اما مسأله از آنجا آغاز می‌شود که گریس دچار همین چالش محوری می‌شود: خانواده یا معرفی قاتل. او که مدام حین همکاری با وکیل خانواده سعی در تبرئه همسرش در برابر دادگاه و رسانه‌ها و افکارعمومی را دارد نهایتاً وقتی متوجه خطر پدر خانواده برای فرزندش می‌شود، حمایت از او را کنار می‌گذارد. این اتفاق را می‌شود به نوع دیگری هم تحلیل کرد. وقتی جاناتان، همسرش را در برابر دادگاه در حال شهادت علیه خود می‌بیند، خانواده‌اش را که آخرین نقطه تکیه‌گاه اوست از دست رفته می‌یابد و نهایتاً برای خود آن تبدیل به خطر بالقوه می‌شود.

واکو

ایمان ازدست‌رفته، خانواده فروپاشیده

فرقه‌گرایی اساسا شکلی از خانواده‌محوری است و موضوع جنجالی واقعه واکو که در آمری-همین فرقه‌گرایی است که موضوع داستان سریال واکو قرار گرفته است. دیوید کوروش، به علت نوع رابطه دیوید با زنان این فرقه، بسیاری از اعضا تا حدودی خانواده‌اند ثن-خود دیوید هم اشاره می‌کند، سربازان او، فرزندان او هم هستند. سریال خانو-آمریکا قرار می‌دهد که تلاش می‌کند مانع او برای قدرتمند شدن در برابر خود ش-قدرت مرکزی بر محور ایدئولوژی که فرقه حول آن شکل گرفته، دستمایه داس-از خود برابر عامل بیرونی حفاظت کند اما مشکل از جایی آغاز می‌شود که عا-اعضای فرقه یا همان خانواده هجوم می‌برد و در نتیجه، برخی اعضا دچار تر-برمی‌دارند. بنابراین در جهان فیلم، خانواده یک ارزش است که هم به ف-آنها اهرم حراست از آن هم هست و زمانی در معرض خطر قرار می‌گ-همراه می‌شود چرا که ارزش تفکر لیبرال که آمریکا را شکل داده در برار

